

آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی

● حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد ابوالقاسمی*

چکیده

با گذشت «ربع قرن» از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و ورود به عرصه نوین، شایسته است که با مرور به کارنامه انقلاب اسلامی با رویکردی مصلحانه و نقادانه تهدیدها و آسیب‌هایی که فراروی آن قرار گرفته و حرکت فزاینده آن را با کندی مواجه ساخته است مورد بررسی و کالبد شکافی قرار گیرد، تا زمینه کنترل آسیب‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها فراهم آید.

در این نوشتار، سعی گردیده با بهره‌گیری از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و دیگر صاحب‌نظران عوامل آسیب‌رسان در حوزه فرهنگ انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گیرد و با استفاده از نتایج برخی پژوهشها در این راستا، مهمترین تهدیدها و آسیب‌های فرهنگی انقلاب اسلامی تشریح شود.

بدیهی است بیان این مطالب به معنای نادیده گرفتن خدمات ارزشمند انقلاب اسلامی به مردم ایران و جهان و اعتلای کلمه ناب اسلام اهل بیت (ع) در سرتاسر گیتی نیست. چون زبان و قلم قادر به تبیین و توصیف نقش سترگ معمار بزرگ انقلاب اسلامی و شاگردان باوفایش در پدید آوردن حکومتی به نام اسلام و برانداختن رژیم پهلوی نیست، ولی از آنجایی که نگارش مقاله «آسیب‌شناسی فرهنگ انقلاب اسلامی» به اینجانب واگذار گردید، بر آن شدم تا همچون طیبی آسیب‌شناس - که زمینه را برای سلامتی بیمار خود فراهم می‌سازد - دیدگاهها و نظرگاهها را در حد امکان بررسی کنم و نتایج

یافته‌ها را بازگویم.

این مقاله مشتمل بر شش بخش به شرح زیر است:

بخش اول: مفاهیم و متغیرهای تحقیق

بخش دوم: پس از هر انقلاب و ضرورت بررسی و توجه به آسیب‌ها و تهدیدها

بخش سوم: اهداف و آرمانهای فرهنگی انقلاب اسلامی

بخش چهارم: تهدیدها و عوامل آسیب رسان به فرهنگ انقلاب اسلامی

بخش پنجم: آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی با تأکید بر نقش عوامل

اثرگذار

بخش ششم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امید آن که این مقاله بتواند نقشی در اصلاح امور و تقویت نظام مقدس

جمهوری اسلامی ایفا نماید.

بخش اول: مفاهیم و متغیرهای تحقیق

فرهنگ^۱

تا کنون بیش از دویست و هفتاد تعریف از فرهنگ ارائه شده است، کلاید کلوکونی^۲ در پژوهشی مجموعه تعاریف فرهنگ را در دوازده طبقه دسته‌بندی نموده است؛ فرهنگ به مثابه «کل روش زندگی»، «میراث اجتماعی»، «روش تفکر، احساس و اعتقاد مردم»، «ذهنیت رفتار»، «چگونگی رفتار»، «مخزن آموخته‌ها»، «معیار تکرار امور»، «رفتار اکتسابی»، «مکانیسم قواعد هنجاری رفتار»، «تکنیک تطبیق با محیط»، «رسوب تاریخ» و ماتریس رفتار. تحلیل طبقه‌بندی فوق نشان می‌دهد که هر کدام از صاحب‌نظران با توجه به قلمرو، دامنه و میزان حضور فرهنگ در عرصه‌های اجتماعی، مادی و معنوی انسانی تعریف و برداشت خود را از فرهنگ ارائه داده‌اند. در ادامه، بر حسب رویکرد حاکم بر فرهنگ نیز طبقه‌بندی‌هایی صورت گرفت.

بررسی رویکردهای حاکم بر تعاریف فرهنگ نشان از شش رویکرد تاریخی، نمادی، کارکردگرایانه، رومانتیک، تجربی و روان‌شناختی دارد. به سخن دیگر، فرهنگ بیشتر از این نظر که مادی است یا معنوی و نیز از نظر میزان و قلمروی حضور خود در

در برخی از دیدگاه‌های موجود عنصر فن‌آوری عامل تغییر و شکل‌گیری فرهنگ در جوامع صنعتی تلقی می‌گردد. کارل مارکس اغلب بعنوان کسی است که به جبرگرایی فن‌آوری عقیده دارد. وی در این ارتباط می‌گوید: آسیاب بادی به شما جامعه‌ای با یک ارباب فئودال می‌دهد و آسیاب آبی جامعه‌ای با ویژگی‌های سرمایه‌داری خواهد داد.^۲ لسی وایت، لین وایت، هارولد اینیس و مارشال مک لوهان چنین دیدگاهی را پذیرفتند.^۴ دیدگاه‌های آینده محور نیز برداشتی جبرگرایانه از مفهوم فرهنگ دارند؛ کریستوفر ایوانز اعلان نمود که در مدت کوتاهی کامپیوتر جامعه جهانی را در تمامی سطوح تغییر خواهد داد.^۵ در ادامه دیدگاه‌های تحویل‌گرایانه مطرح می‌شوند که هر کدام شکل‌گیری فرهنگ را به یک متغیر نسبت می‌دهند.

دیدگاه‌های تحویل‌گرایانه جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، زبان‌شناختی، فلسفی و اقتصادی هر کدام شکل‌گیری و یا تغییر فرهنگی را منوط به یک متغیر می‌دانستند. با این حال همانطور که لوئیس مامفورد منتقد اجتماعی اشاره می‌کند فرهنگ را نمی‌توان با یک دیدگاه تک‌متغیری مورد بحث قرار داد. ری لوبک در تحلیل تعریف کلاسیک تایلور از جامعیت فرهنگ و کل روش زندگی اعلان می‌دارد فرهنگ دارای دو لایه بیرونی و درونی است و جهان بینی در قلب آن قرار دارد. در این رویکرد جامع‌نگر، فرهنگ هم مادی و هم معنوی است. صاحب‌نظران، در ادامه، دیدگاه ری لوبک را توسعه دادند و فرهنگ را شامل سه لایه دانستند که جهان بینی هسته مرکزی و ارزش‌ها و باورها لایه دوم آن را تشکیل می‌دهند. (لایه‌های درونی و ذهنی - معنوی) و تجلی مادی دو لایه فوق، لایه سوم را عینیت می‌دهد. بنابراین برداشت جهانی از فرهنگ بسمت یک دیدگاه جامع‌نگرانه است که کلیه عناصر مادی و معنوی فرهنگ را شامل می‌شود.

امروزه همه مباحث به این نکته ختم می‌شود که کدام دسته از جهان بینی‌ها، ارزش‌ها و باورها گفتمان مسلط فرهنگ جهانی باشد و در عناصر مادی فرهنگ و قلمروهای اجتماعی تجلی یابد. لیبرالیسم، سوسیالیسم، ... یا آموزه‌های دین توحیدی. با عنایت به آنچه بیان گردید تلقی و تعریف فرهنگ از منظر این تحقیق مبتنی بر دیدگاه جامع‌نگرانه است به گونه‌ای که به راحتی می‌تواند با دین ارتباط و تعامل برقرار کند و آن تعریف به شرح ذیل می‌باشد.

فرهنگ عبارت است از باورها و ارزش‌هایی که از جهان بینی انسانها نشأت می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف (حیات و زیست اجتماعی و فردی) زندگی متجلی می‌شود.

در این تعریف؛ متغیر مستقل در نقطه آغازین جهان بینی و متغیر وابسته، باورها و ارزشها است. عامل تغییر باورها و ارزشها و در نهایت فرهنگ، جهان بینی است. جهان بینی مبداء و منشأ فرهنگ انسانی به حساب می‌آید لذا هر گونه توسعه و تغییر در جهان بینی باعث تغییر در فرهنگ می‌گردد. با این نگاه، به هر میزان جهان بینی پویا و فعال تر باشد و نظم منطقی در ارتباط با باورها و ارزشها و تجلیات آنها برقرار باشد، فرهنگ نیز پویاتر خواهد بود و به هر میزان؛ جهان بینی، راکد و غیر فعال باشد و یا اینکه ارتباط اجزا و جلوه‌های فرهنگ با جهان بینی سست شود فرهنگ نیز سست می‌شود.

جهان بینی به مثابه قلب فرهنگ می‌ماند؛ از محیط بیرونی، میراث اجتماعی و دانایی؛ انرژی می‌گیرد و این انرژی را به اندام فرهنگ منتقل می‌سازد و در حرکت معکوس با جلوه‌های بیرونی فرهنگ، تعامل برقرار می‌کند و بخش‌های فرسوده و آسیب دیده، یا ارزشها و باورهای باز تولید شده را به درون خود بازگشت می‌دهد و پس از بازسازی، مجدداً به بدنه فرهنگ جاری می‌سازد. با این نگاه، تا زمانی که جهان بینی اتصال خود را با منابع انرژی حفظ کرده و از فیض آنها بهره‌مند است حیات خود را ادامه می‌دهد و به همین ترتیب تا زمانی که تجلیات بیرونی فرهنگ با نقطه مرکزی خود (یعنی جهان بینی) در ارتباط و اتصال می‌باشد و تعامل دو سویه برقرار است دمامم بازسازی و احیاء می‌شود؛ ولی اگر به هر دلیل ارتباط مرکزی دچار چالش شود و یا توسط رهنمان تغییر مسیر بدهد دچار بحران شده و هویت خود را از دست می‌دهد.

هویت جلوه‌های بیرونی فرهنگ، زمانی باقی خواهد ماند که با قسمت مرکزی یعنی جهان بینی مرتبط باشد و تعامل دو سویه برقرار باشد و اگر در هر یک از دو حوزه بیرونی و درونی تغییر ایجاد گردد و دیگری همپایی خود را نتواند حفظ کند بحران فرهنگی پدید می‌آید.

در این نظریه، فرهنگ از محیط، دانایی و خرد و تجربه بشری و تاریخی بهره‌مند می‌گردد و باورها و ارزشها را تولید می‌کند. این باورها و ارزشها در عرصه‌های

مختلف زندگی متجلی می‌شوند و نماد بیرونی فرهنگ شکل می‌گیرد. این تعریف از ۱۳۵ فرهنگ دربرگیرنده فرهنگ مادی و معنوی است و شامل تمامی ابعاد زندگی می‌گردد به همین دلیل زمینه همراهی و الفت با دین الهی فراهم می‌گردد و فرهنگ انقلاب اسلامی دارای معنا و مفهوم می‌شود.

انقلاب

از مفهوم انقلاب و اینکه دگرگونی انقلابی چیست تعاریف بسیاری از طرف محققان و صاحب‌نظران رشته‌های علوم اجتماعی ارائه شده است که در ذیل به صورت مختصر به چند تعریف از آن اشاره می‌شود.^۶

مفهوم انقلاب^۷ از ریشه لاتینی^۸ به معنای بازگشت زمان که اندیشه آغازی نو را متبادر می‌سازد، اخذگر دیده است.^۹

«انقلاب در حقیقت نوعی نقطه عطف محسوب می‌گردد که تاریخ جامعه را به صورت بارزی به دو قسمت پیش و پس که کاملاً با هم متفاوت هستند تقسیم می‌کند. انقلاب با توجه به آنچه که قبل و بعد از انجام دادن آن رخ می‌دهد، حادثه‌ای تاریخی است که زمان وقوع جریان آن از لحظه ناگهانی آن فراتر می‌رود. در واقع بازتاب دگرگونی‌هایی که به وسیله انقلاب به وجود می‌آید غالباً به صورت غیرمنتظره و عموماً بسیار عمیق‌تر از آنچه تصور می‌رود در آینده‌ای دور ظاهر می‌گردد.»^{۱۰}

استانفورد کوهن در کتاب تئوریهای انقلاب در مفهوم تحول انقلابی می‌نویسد:

«تحول انقلابی رخداد‌های ریشه‌ای را به ذهن متبادر می‌سازد که طی آن قالب کهن از میان رفته و یا دست کم در حال جایگزین شدن با نگرش‌های جدید و غالباً تجزیه نشده می‌باشد.»^{۱۱}

در تعریف مفهوم انقلاب نیز وحدت نظری وجود ندارد و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است از جمله:

«نیومن می‌نویسد: انقلاب تغییری فراگیر و بنیادی در سازمان سیاسی، ساختار اجتماعی، کنترل دارایی اقتصادی و اسطوره مسلط نظام اجتماعی است که بنابراین نمایانگر گسستی عمده در تداوم توسعه است.»^{۱۲}

هانتینگتون انقلاب را یک دگرگونی سریع و بنیادی و خشونت آمیز داخلی در

۱۳۶ ارزش‌ها، اسطوره‌های مسلط بر یک جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و فعالیت‌های سیاستهای حکومتی تعریف می‌کند.^{۱۳}

سورکین در تعریف انقلاب می‌نویسد:

«انقلاب تغییر نسبتاً ناگهانی، سریع و خشونت آمیز قوانین رسمی ولی مهجور گروه یا نهادها و نظام ارزشهایی است که قوانین مزبور نماینده آنها می‌باشد»^{۱۴}
 کرین برینتون در تعریف انقلاب می‌نویسد:

«انقلاب جانشینی ناگهانی شدید و گروهی که تا کنون حکومت را به دست نداشته‌اند به جای گروه دیگری که تا پیش از این متصدی اداره دستگاه سیاسی کشور بوده‌اند می‌باشد»^{۱۵}

آسیب‌شناسی^{۱۶}

واژه آسیب‌شناسی از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده و به معنای «بحث مطالعه علل بیماری و عوارض و علایم غیر عادی» می‌باشد.^{۱۷}

این اصطلاح در همه رشته‌های علوم، اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی بکار گرفته شده است. آسیب‌شناسی در زمینه مسائل روان شناختی، تربیتی و یا فرهنگی اصولاً به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز، پدیدآورنده و یا ثبات بخش روانی، فیزیولوژیکی، بیولوژیکی، تربیتی و فرهنگی آفات و آسیب‌های موجود در آن زمینه می‌پردازد. هدف اصلی از چنین مطالعاتی تکمیل و تأمین فرایندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌ها می‌باشد. مثلاً در آسیب‌شناسی در علم پزشکی به بررسی بافتهای آسیب دیده و عوامل بروز آسیب به بافت می‌پردازد و تأثیر آسیب وارده بر بافت را بر بافتهای دیگر و سایر اعضای بدن بررسی می‌کند و در آخر رهیافت و پیشنهادی جهت درمان فرد آسیب دیده به پزشک ارجاع می‌دهد و یا در آسیب‌شناسی دروس پایه یک کارشناس و یا متخصص در مسائل دروس پایه و یا یک درس به طور اختصاصی عوامل آسیب‌رسانی و آفت‌زدایی را که موجب آفت دانش‌آموزان و دانشجویان در دروس پایه می‌شود مورد مطالعه قرار می‌دهد و به بررسی میزان آسیب‌رسانی عوامل مزبور می‌پردازد و رهیافت علمی مناسب را در جهت تقویت یادگیری در این دروس ارائه می‌نماید. کاربرد اصطلاح آسیب‌شناسی در علوم انسانی

از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

آسیب‌شناسی خانواده به عنوان نمونه، مسئولیت شناخت بیماری‌های خانواده را بر عهده دارد.^{۱۸}

با نگاهی به فرهنگ و واژگان و تفحص در کتب علوم مختلف مفاهیم زیر را می‌توان برای اصطلاح آسیب‌شناسی استخراج نمود. این اصطلاحی است در علم پزشکی که به حالت آسیب‌مند سلولهای زنده اشاره دارد. در این حالت سلولها به علت رشد بی رویه یا دلایل دیگر، حیات موجودات زنده را در معرض خطر قرار می‌دهند. این اصطلاح به معنی دانش شناخت بافتهای آسیب‌دیده و در بیماری‌ها نیز به کار گرفته شده است. این اصطلاح علاوه بر علوم پزشکی در علوم انسانی و علوم اجتماعی نیز بکار رفته است و در بحث انحرافات اجتماعی و کجروی‌ها جای خود را باز کرده است و به مطالعه سازمانی‌ها، آسیب‌های اجتماعی نظیر فقر، بیکاری، تبهکاری و ... همراه با علل و عوامل و شیوه‌های درمان آنان و همچنین شرایط بیمار گونه و ناپه‌نچار اجتماعی است.^{۱۹}

- بر اساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد، آسیب‌شناسی، مطالعه علمی آسیب‌ها، بیماری‌ها و اختلالات است. آسیب‌شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست‌شناختی است که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و مناسب منع شده است.

آسیب‌شناسی فرهنگی^{۲۰}

آسیب‌شناسی فرهنگی به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند، و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آسیب‌هایی این چنین، صرف نظر از میزان تخریب و خسارتی که به مسائل روبنایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می‌سازند، در متن فرهنگ اصیل ملت یا جامعه فرهنگی نیز آسیب وارد می‌کنند.^{۲۱}

آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی

آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب انقلاب با رویکرد اسلامی دارد و عناصر شکل دهنده و سازنده انقلاب را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند و مانند غباری روی حقیقت و گوهر انقلاب را پوشانده‌اند.

آسیب‌ها، صرف‌نظر از میزان تخریب و خسارتی که به مسائل و باورهای انقلابی افراد وارد می‌سازند و مسائل روینایی فرهنگ اسلامی را مورد هجوم قرار می‌دهند، آنچنان در متن فرهنگ جامعه نفوذ می‌کنند که از درون هسته مقاومت افراد را در برابر مفاسد غلط تضعیف می‌کند. این قبیل کنش‌ها رفته رفته نهادینه شده و در نتیجه به استحاله فرهنگ انقلابی اصیل و رایج در جامعه پرداخته و سرانجام منجر به شکل‌گیری فرهنگی از نوع جدید می‌شوند که با فرهنگ اولیه و اصیل تفاوت بارز دارند. خطر کم‌رنگ شدن ارزشهای والای فرهنگ انقلابی و یا حتی خطر تخریب و تضعیف بخش اعظمی از آن، ممکن است از درون و بطن جامعه متوجه ساختار فرهنگی جامعه شود و در برابر ارزش‌های وارداتی فرهنگ بیگانه سست و تضعیف گردد. بهر حال باید گفت که فرهنگ انقلاب اسلامی یک جریان ارزشمند و پویایی بوده است که با تحول جهان‌بینی مردم ایران توسط امام خمینی (ره) پدید آمده است. رمز جاودانگی این انقلاب را باید در پایداری مردم و مسئولان نظام بر آرمانها و ارزش‌های انقلاب اسلامی داشت. امروزه اگر بحث از آسیب‌شناسی فرهنگ انقلاب اسلامی به بیان می‌آید به این معنا نیست که این انقلاب از درون دارای عیب و نقص بوده است و اکنون این نواقص و عیوب هویدا گردیده‌اند، بلکه به این معناست که در اثر سوء مدیریت، اهمال و سهل‌انگاری برخی از متولیان، شرایط انقلابها و هجوم بی‌امان دشمن از داخل و خارج مرزها آسیب‌هایی به بدنه و پیکره آن وارد شده است.

بخش دوم:

پس از هر انقلاب و ضرورت بررسی و توجه به آسیب‌ها و تهدیدها
صاحب‌نظران با جمع‌بندی تجربیات بشری تاریخ گذشته انقلابها و تحولات اجتماعی شرایط و وضعیت خاصی را برای انقلاب‌ها مشابه پیش‌بینی می‌کنند.

کرین بریتون در فصل پنجم کالبد شکافی چهار انقلاب به تقسیم‌بندی دوره‌های حاکمیت بعد از پیروزی انقلاب می‌پردازد و اینکه حاکمین چه کسانی هستند، دارای چه ایدئولوژی و روش‌های اداره حکومت می‌باشند، چه اهدافی را دنبال می‌کنند و اینکه ویژگی‌هایی که هر یک از این دوره‌ها دارا می‌باشند چیست. این سه دوره عبارتند از: دوران حاکمیت میانه‌روها، دوران حاکمیت تندروها، دوران ترمیدور انقلاب. ما تلاش

خواهیم کرد در این نوشتار به صورت مختصر به دوران ترمیدور اشاره کنیم.

دوران ترمیدور انقلاب

برینتون با مقایسه چهار انقلاب مورد مطالعه خود می‌نویسد:

«تاریخ نگاران فرانسوی از دیرباز بازگشت کند و ناهموار به زمانهایی بیشتر

آرام و کمتر قهرمانی را به عنوان واکنش ترمیدوری شناخته‌اند.»

وی همچنین ادامه می‌دهد:

«بر طبق طرح مفهومی ما به ناگزیر ترمیدور را یک نقاقت پس از فرونشستن

تب انقلاب می‌خوانیم. حتی اگر «نقاقت» چیزی دلپذیر را به ذهن القاء می‌کند

و از همین روی نوعی تمجید از واکنش ترمیدوری به نظر می‌آید...»

پس از آنکه یک انقلاب، بحران و تمرکز قدرت ملازم با آن را تجربه می‌کند، در زمانی که انرژی مذهبی دوره بحران فروکش می‌کند، یک رهبر نیرومند برای اداره این قدرت متمرکز، لازم می‌آید. دیکتاتورها و انقلابها به ناگزیر سخت همبسته‌اند، زیرا انقلابها قوانین و رسوم، عادات و اعتقاداتی را که انسانها را در یک جامعه به هم می‌پیوندند، در هم می‌شکنند و دست‌کم سست می‌سازند و زمانی که این قوانین و رسوم، عادات و اعتقادات نتوانند مردم را به خوبی به هم پیوند دهند برای درمان این ناکارایی باید زور به کار افتد. قدرت نظامی در کوتاه مدت، کاراترین نوع زور است و خود همین قدرت نظامی سلسله مراتبی از فرمانبرداری را ایجاد می‌کند که در رأس آن فرماندهی کل نظامی جای دارد. بازگشت زمان، فشارها و وحشت اعمال شده به مردان عادی تخفیف می‌گیرد. دادگاههای ویژه جای خود را به دادگاههای عادی می‌دهند؛ پلیس انقلابی تبدیل به پلیس معمولی می‌شود. علو آرمان از جنگهایی که انقلابیون در جهت گسترانیدن انجیلشان برپا کرده بودند نیز رخت برمی‌گیرد و جهاد پیامبرانه اندک‌اندک به صورت جنگ برای فتح در می‌آید. در پوشاک و سرگرمیهای دیگر در جزئیات کامل زندگی روزانه مردان و زنان عادی، گستره وسیع متارکه همگانی جمهوری تقوی آشکار می‌شود. این واتهادن چندان شاخص است که حتی تاریخ نگاران اجتماعی نیز آن را احساس می‌کنند.

نویسندگان بی‌شرم، زندگی‌نامه نویسان رومانیتیک و دیگر تحریک‌کنندگان ذائقه

۱۴۰ تبه‌گین عوام، البته از لقمه‌های چرب و نرم ترمیدورهای شادمان می‌شوند؛ اما مردان بلند اندیشی که تاریخ جدی را می‌نگارند، در حالی که دست بر بینی شان دارند از آن دوران متعفن می‌گذرند.

با رها کردن تثبیت قیمتها و تورمی که به دنبال آن آمده است، طبقه ثروتمندی از بازگانان سفته باز که از وضع جنگ سود گزاف برده‌اند و سیاستمداران زیرک پدیدار می‌شوند. در بازگشت صریح به لذتهای حسی، قماربازیهای میخوارگی، عشقبازی آشکار، ادبیات سبک و مطایبه آمیز و آشکارا لذت بردن از پوشاک و جلوه‌گریهای دیگر... نیازی نیست این‌همه خود را در مورد تخفیف فشارهای اخلاقی در دوره ترمیدوری به زحمت افکنیم.

شیوه ویژه‌ای از تبلیغات که ما آن را تبلیغات تجاری می‌خوانیم، آغاز به پدیداری کرده‌است. کالاهای مصرفی در جایگاههای تبلیغات، رادیو، تلویزیون و در روزنامه‌ها و مجلات و حتی بر پشت کبریتها تبلیغ می‌شوند. همه انقلابهای ما ناچار بودند خود را با آرمانشان سازگار نمایند و سخنان دلنشین‌شان را در قباب شعاعی درآورند. سرانجام شعار آزادی، برابری، برادری به ناگزیر به گونه نوشته‌ای بر سر در ساختمانهای دولتی حک گردید.^{۲۲}

هر چند با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی هیچیک از تئوریهای انقلاب ها و پس از انقلاب ها را به‌طور کامل نمی‌توانیم بپذیریم ولی هیچگاه نمی‌توانیم دانش و تجربه بشری را به یکباره کنار گذاریم و هیچ دیدگاه و نظریه‌ای را مورد مطالعه و بررسی قرار ندهیم. شاید به همین دلیل است که امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود با هشدار به این‌که انقلاب نباید به دست ناهلان افتد، رمز تداوم انقلاب را چنین معرفی می‌کند:

«بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی، همان پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند، و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد می‌باشد.»

و نیز آیت‌الله مطهری پس از پیروزی انقلاب، به موانع و آفات انقلاب عطف نظر نمود و اذعان داشت که اگر با واقع‌بینی و دقت کامل با مسائل انقلاب مواجه نشویم و در آن

تعصبات و خودخواهی را دخالت دهیم، شکست انقلاب همانند نهضت صدر اسلام، ۱۴۱ حتمی خواهد بود.^{۲۳} در این راستا بود که وی بحث «آفات انقلاب» را طرح نمود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز همواره افشار مختلف مردم را از آفات و موانع احتمالی انقلاب برحذر داشته‌اند. ایشان در ارتباط با ضرورت و اهمیت آسیب شناسی انقلاب می‌گویند:

«میکروب رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلابی نفوذ کرده و در آن رشد می‌یابد. نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان جوانان نسبت به آرمانها، دنیا طلبی، اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علایم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلابی، نشانه‌هایی از تأثیر میکروب ارتجاع و عقب‌گرد است. پرداختن به مال و مال‌اندوزی، دچار شدن به فسادهای اخلاقی - مالی و فساد اداری، درگیر شدن در اختلافات داخلی که خود یک فساد بسیار خطرناک است، و جاه‌طلبی، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می‌کند.»^{۲۴}

با عنایت به آنچه بیان گردید، پس از هر انقلاب به صورت قهری خطر ارتجاع، تحریف، بدعت و وارد شدن دهها آسیب ویرانگر بر پیکر انقلاب وجود دارد. لذا اگر به خوبی این تهدیدها آفت‌ها و آسیب‌ها مورد شناسائی قرار بگیرند، همه اهداف و آرمانهای متعالی یک انقلاب دستخوش نابسامانی می‌گردد و ارزشها به ضد ارزشها تبدیل می‌شود.

جناب آقای حاجیلری در تحقیق ارزشمندی که پیرامون روند تغییر ارزشها پس از انقلاب اسلامی انجام داده‌اند این واقعیت را اثبات نموده‌اند که پس از انقلاب اسلامی تغییر ارزشها در انقلاب اسلامی پدید آمده است. ایشان با تحلیل محتوای حدود ۵ روزنامه کثیرالانتشار در سال ۱۳۶۰ و ۱۳۷۵ مؤلفه‌های ارزشی را در عرصه ارزشهای ملی و فراملی مورد بررسی قرار داده‌اند که در این نوشتار به عنوان نمونه جدول زیر که نمایانگر توزیع مقولات ارزشی در روزنامه‌های (اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی) می‌باشد ارائه می‌گردد.

توزیع مقولات ارزشی در روزنامه‌های (اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی)

سال ۱۳۷۵			سال ۱۳۶۰			لیست کل مقولات ارزشی
رتبه	درصد	فراوانی	رتبه	درصد	فراوانی	
۲	۱۸/۳۸	۳۵۵	۱	۱۸/۰۱	۳۱۲	مبارزه با استکبار جهانی
۳	۱۰/۰۹	۱۵۲	۲	۱۴/۱۴	۲۴۵	دین و مذهب
۷	۳/۵۱	۴۹	۳	۱۰/۵۱	۱۸۲	مبارزه، جهاد و شهادت
۴	۴۸/۸۹	۱۲۴	۴	۹/۶۴	۱۶۷	عدالت و قانون‌گرایی
۱	۱۹/۴۲	۳۷۱	۵	۷/۸۵	۱۳۶	جهان‌اسلام
۶	۵/۵۹	۷۸	۶	۵/۷۷	۱۰۰	خدا و توحید
۱۱	۲/۴۴	۳۴	۷	۴/۲۱	۷۳	انقلاب و انقلاب‌گری
۱۲	۲	۲۸	۸	۳/۱۸	۵۵	معنویت و عبادت
۱۰	۲/۷۲	۳۸	۹	۳	۵۲	اخلاقی و رفتار اسلامی فردی
۲۱	۰/۴۳	۶	۱۰	۲/۶۰	۴۵	ریاضت‌طلبی
۱۴	۱/۷۹	۲۵	۱۱	۲/۴۸	۴۳	حمایت از مظلومان جهان
۲۳	۰/۳۶	۵	۱۲	۲/۴۲	۴۲	وحدت و نظم اجتماعی
۱۵	۱/۴۳	۲۰	۱۳	۲/۳۱	۴۰	آزادی
۸	۳/۰۸	۴۳	۱۴	۲/۳۱	۴۰	اخلاقی و رفتار اسلامی و اجتماعی
۱۳	۱/۷۹	۲۵	۱۵	۲/۱۹	۳۸	خدمت به مردم و محرومان جامعه
۹	۲/۹۴	۴۱	۱۶	۱/۹۶	۳۴	استقلال سیاسی و فرهنگی و مشارکت مردم
۱۷	۱/۰۷	۱۵	۱۷	۱/۹	۳۳	دارایی و ثروت
۵	۷/۲۴	۱۰۱	۱۸	۱/۰۹	۱۹	سازندگی و پیشرفت اقتصادی
۱۹	۰/۶۴	۹	۱۹	۰/۶۴	۱۱	علم، دانش و آگاهی
۱۵	۱/۰۷	۱۵	۲۰	۰/۵۸	۱۰	وطن‌دوستی و صفات ملی
۱۸	۱	۱۴	۲۱	۰/۴۶	۸	رفاه و آسایش
۲۰	۰/۵۰	۷	۲۲	۰/۴۶	۸	سیاست و ملیت
۲۲	۰/۴۳	۶	۲۳	۰/۳۳	۴	اقتصاد و ملیت
۲۴	۰/۲۲	۳	۲۴	۰/۱۷	۳	تمدن، فرهنگ، ملیت
۲۵	۰/۰۷	۲	۲۵	۰/۰۵	۱	صدر انقلاب
		۲/۳۰۱۶		۲/۱۶	۳۱	سایر
	%۱۰۰	۱۳۹۵		%۱۰۰	۱۷۳۲	

$$V(x) = 5.10$$

$$V(x) = 6.20$$

جدول فوق سلسله مراتب ارزشهای انعکاس یافته در سه روزنامه اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی را به تفکیک سال به صورت مجموع سه روزنامه، برحسب تعداد فراوانی و به شکل نزولی نشان می‌دهد. این سه روزنامه که در دو مقطع مورد نظر پژوهش (سال ۷۵ و ۸۰) منتشر می‌شدند نمونه‌ای کامل برای بررسی تغییر و تحولات می‌باشند زیرا امکان مقایسه در دو زمان را میسر می‌سازند. این سه روزنامه در عین حال که در سیر تحولات و تغییرات خود در انعکاس ارزشهای اجتماعی دارای تفاوت خاصی می‌باشند، دارای نقاط اشتراک فراوانی نیز هستند. ما هر یک از جدول‌هایی که داده‌های خاص هر روزنامه در آنها به تفکیک آمده بود را مورد توصیف و تحلیل قرار دادیم و تلاش کردیم که نقاط ویژه و خاص هر روزنامه را بیشتر مورد توجه قرار دهیم. در اینجا (در جدول شماره ۷) امکان پرداختن به نقاط اشتراک این سه روزنامه بیشتر میسر می‌باشد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این سه روزنامه در سال ۶۰ سلسله مراتب ارزشهای القا شده به خوانندگان به ترتیب زیر بوده است:

مبارزه با استکبار جهانی: ۱۸/۰۱٪

دین و مذهب: ۱۴/۱۴٪

مبارزه، جهاد و شهادت: ۱۰/۵۱٪

عدالت و قانونگرایی: ۹/۶۴٪

جهان اسلام: ۷/۸۵٪

خدا و توحید: ۵/۷۷٪

انقلاب و انقلابیگری: ۴/۲۱٪

معنویت و عبادت: ۲/۱۸٪

اخلاق و رفتار اسلامی و فردی: ۳٪

ریاضت‌طلبی و دنیاگریزی: ۲/۶۰٪

از رتبه‌های اول تا دهم اهمیت و فراوانی مطلق را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین مقولات ارزشی حمایت از مظلومان و محرومان جهان - وحدت و نظم اجتماعی - آزادی - اخلاق و رفتار اسلامی و اجتماعی - خدمت به مردم و محرومان جامعه - استقلال سیاسی فرهنگی و مشارکت مردمی - دارائی و ثروت - سازندگی و پیشرفت اقتصادی - علم و دانش و آگاهی - وطن دوستی و صفات ملی - رفاه و آسایش - سیاست و ملیت - تمدن فرهنگ و ملیت - هریک به ترتیب با اختصاص ۲/۴۸٪ - ۲/۴۲٪ - ۲/۳۱٪ - ۲/۳۱٪ - ۲/۱۹٪ - ۱/۹۶٪ - ۱/۹٪ - ۱/۰۹٪ - ۱/۶۴٪ - ۱/۵۸٪ - ۱/۴۶٪ - ۱/۴۶٪ - ۱/۲۳٪ - ۱/۱۷٪ در رتبه‌های بعدی جای دارند. مقوله ارزشی صدور انقلاب تقریباً جایگاهی در این سلسله مراتب ارزشی ندارد. این درحالی است که در سال ۷۵ مقولات

ارزشی به ترتیب ذیل قرار گرفته‌اند، جهان اسلام ۱۹/۴۲٪ - مبارزه با استکبار جهانی ۱۸/۲۸٪ - دین و مذهب ۱۰/۹٪ - عدالت و قانونگرایی ۸/۸۹٪ - سازندگی و پیشرفت اقتصادی ۷/۲۴٪ - خدا و توحید ۵/۵۹٪ - مبارزه، جهاد و شهادت ۳/۵۱٪ - اخلاق و رفتار اسلامی و اجتماعی ۳/۰۸٪ - استقلال سیاسی و فرهنگی و مشارکت مردمی ۲/۹۴٪ - اخلاق و رفتار اسلامی و فردی ۲/۸۲٪ که در رتبه‌های اول تا دهم جای دارند.

همچنین مقولات ارزشی انقلاب و انقلابیگری - معنویت و عبادت - خدمت به مردمان و محرومان جامعه - حمایت از مظلومان و محرومان جهان - آزادی - وطن دوستی و صفات ملی - دارائی و ثروت - رفاه و آسایش - علم، دانش و آگاهی - سیاست و ملیت - ریاضت طلبی - اقتصاد و ملیت - وحدت و نظم اجتماعی - تمدن، فرهنگ و ملیت هر یک به ترتیب با دارا بودن ۲/۴۴٪ - ۲٪ - ۱/۷۹٪ - ۱/۷۹٪ - ۱/۴۳٪ - ۱/۰۷٪ - ۱٪ - ۰/۶۴٪ - ۰/۵۰٪ - ۰/۴۳٪ - ۰/۴۳٪ - ۰/۳۶٪ - ۰/۲۲٪ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

با مشاهده جدول شماره بالا تغییرات به روشنی قابل ملاحظه و مشاهده می‌باشند. در سال ۷۵ نسبت به سال ۶۰ در عین حالی که از اهمیت طرح مقولات ارزشی مانند دین و مذهب - مبارزه، جهاد و شهادت - انقلاب و انقلابی‌گری - معنویت و عبادت - ریاضت طلبی و دنیا‌گریزی - حمایت از مظلومان جهان - وحدت و نظم اجتماعی - آزادی کاسته شده است به اهمیت و طرح بیشتر مقولات ارزشی مانند جهان اسلام - سازندگی و پیشرفت اقتصادی - اخلاق و رفتار اسلامی و اجتماعی - استقلال سیاسی و فرهنگی و مشارکت مردمی - وطن دوستی و صفات ملی - رفاه و آسایش افزوده شده است. و اگر در اینجا ما علاوه بر اینکه به درصدهای مختص هر یک از مقولات ارزشی نظر افکنیم، نگاهی نیز به فراوانیهای مطلق این مقولات ارزشی داشته باشیم سرعت و شدت تغییرات در هر یک از مقولات ارزشی را بیشتر مشاهده می‌کنیم.

به علت کاهش میزان طرح ارزشهایی مثل دین و مذهب - معنویت و عبادت، با توجه به ماهیت ایدئولوژی اسلامی که انقلاب اسلامی مطرح کرد و در آن ارزشهای دینی و مذهبی از جایگاه والایی برخوردار بودند. طبیعی است که در سالهای اول انقلاب برای نفوذ و نهادینه کردن آنها در بین مردم بیشتر تأکید و تبلیغ شود. لذا این مقولات ارزشی در سال ۶۰ بیشتر تکرار شده‌اند و با فاصله گرفتن از زمان تثبیت انقلاب و رسیدن به سال ۷۵ علاوه بر اینکه تکرار این ارزشها کمتر شد، مقوله ارزشی انقلاب و انقلابی‌گری

نیز به شدت کاهش یافت و در سال ۷۵ در سلسله مراتب ارزشی در جایگاه نازلتری قرار گرفت. همچنین اگر توجه شود تمام مقوله‌های ارزشی که در سال ۷۵ نسبت به سال ۶۰ سیر نزولی را طی کرده‌اند زیر مقولات ارزشی فرامادی بوده‌اند.

مقوله ارزشی ریاضت‌طلبی و دنیاگریزی نیز توسط همه روزنامه‌ها در سال ۷۵ نسبت به سال ۶۰ کمتر مطرح شده است که این به خاصیت انقلابها برمی‌گردد که در سالهای اولیه ریاضت‌طلبی و دوری از رفاه مادی به شدت تبلیغ می‌شود و انقلابیون مشتاق آن هستند ولی پس از گذشت مدت زمانی از انقلاب افراد جامعه به دنبال آسایش و رفاه خود می‌روند و ریاضت‌طلبی و دنیاگریزی به کناری گذاشته می‌شود. حمایت از مظلومان جهان مقوله ارزشی دیگری است که با کاهش روبرو بوده است و این نیز از ویژگی‌های انقلابهاست که در سالهای اولیه خود را ناجی تمام بشریت و همه انسانهای مظلوم می‌دانند ولی با گذشت زمان و مواجه شدن با مشکلات داخلی و درون سیستم اداره جامعه خود، به شعارهای اول انقلاب توجه کمتری می‌کنند. اما برخی از مقولات ارزشی در سال ۷۵ نسبت به سال ۶۰ در سلسله مراتب ارزشهای انعکاس یافته در مطبوعات دارای ترقی و رشد جایگاهی بوده‌اند. به خصوص ارزشهای مادی همانند سازندگی و پیشرفت اقتصادی که در سال ۶۰ با اختصاص یک درصد از مجموع فراوانی‌های مطلق در رتبه هجدهم قرار دارد. این در حالی است که در سال ۷۵ مقوله سازندگی و پیشرفت اقتصادی با اختصاص ۲۴/۷٪ در رتبه پنجم قرار گرفته است که این بسیار قابل توجه است این خود به ویژگی‌های خاص انقلابها برمی‌گردد که با پشت‌سر گذاشتن جنگهای داخلی و خارجی، مسائل سازندگی و اقتصاد در اولویت قرار می‌گیرند و این ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی است که رهبران و مدیران جامعه انقلابی را به این سمت سوق می‌دهد.

همچنین در سال ۷۵ ارزشهای ملی با آهنگ ضعیفی روبه رشد گذاشته‌اند و به نظر می‌رسد در سالهای آینده این‌گونه ارزشها از رشد و جایگاه بالاتری برخوردار شوند. ارزش مشارکت مردمی نیز در سال ۷۵ بیشتر مورد توجه قرار گرفته است که این نیز به دلیل شرایط خاص سیاسی و فرهنگی جامعه در سال ۷۵ می‌باشد که ضرورت آن را بیشتر کرده است. ۲۵

اهداف و آرمانهای فرهنگی انقلاب اسلامی

زمانی می‌توان از آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی سخن گفت که اهداف و آرمانهای آن به خوبی شناخته شود و با عنایت به آن، آسیب‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. با توجه به این چگونگی با بررسی قانون اساسی و دیدگاههای معمار انقلاب اسلامی و همچنین شعارهای مردم انقلابی سعی گردید، بر اهداف و آرمانها مرور شود و خلاصه آن ارائه شود.

الف) اهداف و آرمانهای فرهنگی از نگاه معمار انقلاب اسلامی^{۲۶}

- ملت‌ها را آگاه سازید.
- نقشه‌های شوم و خانمان‌سوز استعمارگران را برملا نمایید.
- در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید.
- تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به‌کار ببندید.
- با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر بکوشید.
- همه عوامل فساد و مهمتر اینکه همه انگیزه‌های فساد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی ریشه‌کن شود.
- مبارزه با فساد می‌کنیم، فحشا را قطع می‌کنیم.
- از بین بردن آثار و مفاصد فرهنگ غربی جزء اهداف انقلاب است.
- محتوای اسلام در همه عرصه‌های جامعه ظاهر شود هر کجا قدم گذاشته شود اسلام باشد.
- نهضت ایران نهضت الهی بود.
- مردم به عنوان اسلام و به عنوان احکام اسلام به خیابان‌ها ریختند.
- ما می‌خواهیم جمعیتی نورانی پیدا کنیم دانشگاه ما علمش، اخلاقش، عملش؛ نورانی باشد.
- انقلاب مقدمه‌ای است برای اینکه یک ملت انسان پیدا شود.
- به دنبال ملتی هستیم که روح انسانیت در آن است پیدا شود.

- باید انسانها درست بشوند. اگر انسان درست شد همه چیز درست می‌شود.
- با رأی به جمهوری اسلامی آرمانهای اسلام تحقق پیدا نمی‌کند دنبال این رأی باید عمل شود. احکام شرع در دادگستری، بازار، فرهنگ، مدارس تحقق پیدا کند.
- همه قوانین اسلام باید تحقق پیدا کند انشاء الله.
- همه باید جوری بشود که وقتی یک‌کسی وارد شد ببیند که در مملکت اسلامی وارد شده است.
- به گونه‌ای باید عمل شود که نه گرانفروشی و اجحاف باشد نه دروغ، نه تقلب، نه کاغذبازی و...
- باید فرم غربی به فرم اسلامی برگردد.
- باید توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم و مملکت ما احتیاج به چی و کی دارد؟
- ما باید خودمان را تغییر بدیم تا بتوانیم سرپای خود بایستیم.
- اعتلا به این نیست که شکم ما پر باشد، اعتلا به این است که ما مسلمانان را و مکتبمان را به پیش ببریم.
- ما رو به اعتلا هستیم و بشر را رو به اعتلا خواهیم برد.
- مقصد ما این است که این کشور آفت‌زده، غرب‌زده و سلطنت‌زده را به اسلام برگردانیم.
- مقاصد ملت شریف ایران در رأس آن روحانیت معظم برای چیزی جز دفع مفسد دوران شاهنشاهی ستم پیشه و اجرای احکام اسلام و رواج فرهنگ غنی اسلامی در جمیع نهادها نبوده و نخواهد بود.
- ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم، ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قتل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم.
- مقصد اعلامی ما این است که حکومت عدلی مبتنی بر قوانین اسلامی حاصل شود
- همه مقدمه بوده، مقصد اسلام است.
- سهم همه ما، همه شما و همه ملت و همه علمای اسلام این است که اسلام بر همه ابعاد تحقق پیدا کند.

۱۴۸ ب) اهداف و آرمانهای فرهنگی انقلاب اسلامی از منظر قانون اساسی و تبلور خواست و شعارهای مردم

برای دستیابی به اهداف و آرمانهای فرهنگی انقلاب اسلامی، بهترین سند، قانون اساسی است که به عنوان میثاق ملی، آراء اکثریت مطلق مردم را به همراه دارد. در مقدمه این قانون و برخی از اصول آن نکات مهمی که بیانگر اهداف فرهنگی می باشد وجود دارد که به صورت اجمال ارایه می گردد.

۱. مبتنی شدن کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، دارائی، فرهنگی و نظامی - سیاسی و غیر اینها بر اساس موازین، معیارها و ضوابط اسلامی.^{۲۷}

۲. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا.

۳. مبارزه با مظاهر فساد و تباهی.

۴. بالا بردن سطح آگاهی های عمومی با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی.

۵. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی تا سرحد خودکفایی کشور.

۶. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۷. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای عموم در زمینه های مادی و معنوی.

۸. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور

۹. تأمین حقوق همه جانبه افراد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای عموم و تساوی همه در برابر قانون.

۱۰. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم.

۱۱. تدوین مقررات و قوانین مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی بر اساس موازین اسلامی.

۱۲. برقراری حقوق مساوی برای همه مردم بدون توجه به قوم، قبیله، رنگ، نژاد و زبان.

۱۳. سرخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، ازکارافتادگی،

بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی و درمانی مراقبت‌های پزشکی به ۱۴۹ صورت بیمه و غیره.

۱۴. آزادی‌های اجتماعی از جمله آزادی کار و حق دادخواهی برای هر فرد. ۲۸

۱۵. احیای مفاهیم دینی همچون جهاد و شهادت.

۱۶. برچیده شدن سفره ارتشاء و چاپلوسی و تملق.

۱۷. از بین رفتن مراکز و مظاهر فساد در جامعه.

بخش چهارم

تهدیدها و عوامل آسیب‌رسان به فرهنگ انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ دینی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری.

پس از بررسی دیدگاهها و نظرگاههای حضرت امام و مقام معظم رهبری مهمترین تهدیدها و عوامل آسیب‌رسان به فرهنگ انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ دینی استخراج، جمع‌بندی و طبقه‌بندی گردید که اهم آن به شرح ذیل می‌باشد.

الف) دیدگاههای امام خمینی

حضرت امام (ره)، عوامل ذیل را به عنوان تهدیدها و آسیب‌های فرهنگی انقلاب اسلامی برشمرده‌اند:

جدول زیر انواع آسیب‌های فرهنگی انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگی را در ابعاد مختلف از دیدگاه امام خمینی (ره) نشان می‌دهد:

- بی‌تقوایی متصدیان امور مملکت (صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۱۲۳)

- جدایی دین و حکومت از مردم (صحیفه امام، ج ۲۹، ص ۱۴۴)

- کنارگیری از مسئولیت (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۵۲)

- عدول از سیاست نه شرقی و نه غربی (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۴۲)

- ظلم و تعدی به افراد به اسم انقلاب و انقلابی بودن (صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۱۴۲)

- قدرت‌طلبی و مال‌طلبی مسئولان مملکتی (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۳)

- تاویل غلط از خواسته‌های مردم (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۹۸)

- ضعف مدیریت و تصدی امور به دست افراد نالایق (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۷)

- بی‌عدالتی حکومت نسبت به مردم (صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۲۵)
 - سرگرم شدن به درگیری‌های سیاسی و غفلت از مشکلات مردم (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۲)
 - باندبازی و گزینش‌های رابطه‌ای در انتخاب دولتمردان (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۷)

- دخالت قوا در کار یکدیگر (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۱۷)
 - اختلاف در سران مملکت و ناهماهنگی آنها (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۲۳ و ۴۴۲)
 - تضعیف و تخریب قوای سه‌گانه توسط یکدیگر (صحیفه نور (امام) ج ۱۲، ص ۳۴۷)
 - سستی در خدمت به مردم (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۸۲)
 - دیکتاتور مآبانه برخورد کردن مسئولین و طاغوتی شدن (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۷۹)

- خطر قاضیان ناصالح و بی‌دقتی در قضاوت (صحیفه امام، ج ۱۴)
 - ناهماهنگی در نهادها و ارگانها (صحیفه امام) ج ۱۲، ص ۴۱۲
 - سرگرم شدن به درگیری سیاسی و غفلت از مردم (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۲)
 - مشوه کردن چهره ارگان‌های انقلابی از جانب خودی‌ها و غیرخودی‌ها (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۱۳)
 - مساجد بدون نتیجه و اثرگذاری (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۱۱)
 - منحرف ساختن انجمن‌های اسلامی (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۱۱)
 - دخالت انجمن‌های اسلامی در اموری که مربوط به آنها نیست (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۷۱)

- انحراف در برنامه‌های اسلامی دانشگاهها (صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۴۱۸)
 - تبدیل دانشگاه به مکانی صرفاً سیاسی (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲)
 - نفوذ اشخاص منحرف و غیراسلامی در دانشگاهها (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۴۷)
 - اساتید و معلمان منحرف (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۶)
 - نقایص و کمبودهای تبلیغی نهادها در گذشته و حال (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۱ و ۲۵۷)

- بی‌نظمی امور به علت عدم توجه به برنامه‌ریزی (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۶)

- اختلاف در سازمان روحانیت (صحیفه امام، جلد ۱۸، ص ۱۶)
- دنیاطلبی روحانیت و دوری از ذی‌طلبگی (صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۳۱۷)
- تشریفات گسترده حوزه‌های روحانیت (صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۴۴)
- فاصله بین اعمال و گفتار روحانیون (صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۴۵۲ و ۴۹۳)
- عدم حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی (صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۴۹۳)
- ساده‌لوحی برخی از علما (صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۲۵۴)
- اشتباه و خطای روحانیون را به اسلام نسبت دادن (صحیفه امام، جلد ۹، ص ۱۵۰)
- دخالت غیرقانونی علما و روحانیت و اظهار نظر در اموری که صلاحیت آن را ندارند (صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۴۳)
- خطر متحجرانه و مقدس‌نمایان (صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۲۷۸)
- خطر روحانیون وابسته (صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۷۵)
- عدم کنترل برنامه‌ها و فیلم‌های منحرف در صدا و سیما (صحیفه امام، جلد ۱۶، ص ۱۲۰)
- کوچک شمردن خدمات و بزرگ کردن معایب در رسانه‌های گروهی به ویژه مطبوعات
- تهمت و افتراء در رسانه‌های گروهی به انقلاب و افراد (صحیفه امام، جلد ۱۶، ص ۱۵۸)
- نقایص و کمبودهای تبلیغی رسانه‌ها (صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۲۵۷)
- تبلیغ گرایش به آمریکا (صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۴۳۷)
- ترویج و تبلیغ جدایی دین از سیاست (صحیفه امام، جلد ۶، ص ۲۰۲)
- روشنفکران مغرض و غریزده (صحیفه امام، جلد ۱۱، ص ۶۸ ج ۹، ص ۳۴۲)
- نویسندگان منحرف و روشنفکرانهای اهل قلم (صحیفه امام، جلد ۹، ص ۲۱۱)
- کناره‌گیری نخبگان و عدم حضور نخبگان و روشنفکران دینی در عرصه‌های مختلف به ویژه سیاست
- روشنفکران دینی منافق (صحیفه امام، جلد ۱۱، ص ۲۳۴)
- فشارهای اقتصادی بر مردم (صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۲۵۰ ج ۱۹، ص ۴۴)
- عدم مراقبت مردم از رفتار مسئولان (صحیفه امام، جلد ۱۶، ص ۲۴)

- سستی حضور مردم در صحنه (صحیفه امام، جلد ۱۸، ص ۳۹)
- تفرقه و اختلاف بین اقشار مختلف مردم (صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۴۰۶)
- ایجاد و دامن زدن به اختلافات قومی و قبیله‌ای و شیعه و سنی (صحیفه امام، جلد ۷، ص ۳۴۵)
- منزوی کردن، کوبیدن و بدنام کردن اسلام و جمهوری اسلامی ایران به وسیله استعمارگران و قدرت‌های بزرگ (صحیفه امام، جلد ۱۶، ص ۱۱۳)
- شایعه پراکنی، تحریف اخبار و قیام و نشر اکاذیب توسط قدرت‌های بزرگ (صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۲۰۳)
- ارائه نشدن چهره واقعی اسلام (صحیفه امام، جلد ۱۱، ص ۳۶، ۳۷)
- قطع رابطه با دولت‌ها و کشورهای دیپلماسی غیرفعال (صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۴۱۳)
- تبلیغ گرایش به آمریکا (صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۴۳۷)

ب) دیدگاه مقام معظم رهبری

- مقام معظم رهبری نیز به‌ویژه در طول چند سال گذشته با دقت بسیاری تهدیدها، آسیب‌ها و آفات انقلاب و توسعه فرهنگ دینی را برشمردند. جدول زیر به‌طور خلاصه دیدگاه مقام معظم رهبری را در این رابطه به اجمال نشان می‌دهد:
- تحجر
- بحران ارزش‌ها
- روشنفکران مرتجع
- اسلامی نبودن دانشگاه‌ها
- غفلت از تهاجم فرهنگی
- میکروب ارتجاع
- متحول نشدن مراکز علمی و دینی - همچون حوزه‌های علمیه - با تغییرات زمان
- عدم آگاهی نسل جوان
- انفعال
- ظهور طبقه نو کیسه

- عدم وجدان کاری
- بی‌انضباطی اقتصادی
- اشرافی‌گری
- فقر
- نزاع بین جناح‌های سیاسی
- انحراف خواص
- قبیله‌گرایی
- دست کم گرفتن توطئه‌های دشمن
- ترویج جدایی دین از سیاست
- جدایی مردم و مسئولین
- خلاف و انزوای نیروهای حزب‌اللهی و بسیجی
- بی‌نظمی اجتماعی
- عدم تحقق عدالت
- شکاف در وحدت

شایان ذکر است که عوامل مذکور برخی به مرحله آسیب رسیده است و سایه غم‌انگیز خود را بر اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی انداخته است. برخی به عنوان یک تهدید جدی مطرح است. لذا اگر برای کنترل و ساماندهی تهدیدها اقدام مناسب صورت نپذیرد، تهدیدها به آسیب تبدیل خواهد شد.

بخش پنجم:

آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی با تأکید بر نقش عوامل اثرگذار
همانگونه که در قسمت‌های پیشین اشاره شد انقلاب اسلامی در همه بخشها به ویژه بخش فرهنگ دارای اهداف و آرمانهایی متعالی و ارزشمندی بوده است امام خمینی (ره) با طرح مبانی حکومت اسلامی جهان‌بینی مردم ایران را متحول ساخت و با پدید آوردن ارزشها و باورهای جدید فرهنگ انقلاب اسلامی را شکل بخشید. این فرهنگ با پویایی و نشاطی خاص همراه بود به‌گونه‌ای که آوازه آن مرزهای جغرافیایی را درنوردید و میلیونها نفر از انسانهای سراسر جهان را شیفته خود ساخت. این انقلاب از یک سو

مستضعفان و تحقیرشدگان جهان را خشنود ساخت و بارقه‌ایی از امید در دل آنها ایجاد نمود و از سوی دیگر همه قدرتهای غیر مردمی را نگران ساخت و خشم و کینه آنها را بر علیه ایران و انقلاب اسلامی افزایش داد این عوامل، انتظار محرومان و مظلومان جهان و همچنین نگرانی قدرتهای جهان را متوجه ایران و فرهنگ انقلاب اسلامی ساخت و فرصتها و تهدیدها را پیشاروی انقلاب قرار داد.

معمار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) با رهبری استثنایی خود تلاش نمود تا بر بحران‌های داخلی و خارجی فائق آید و کشتی انقلاب را به سرمنزل مقصود برساند ولی علی‌رغم همه تلاش‌ها، منابع انسانی انقلاب از درون دچار فرسایش شد و با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سیر نزولی در حرکت شتابان انقلاب آغاز گردید و شرایط و شعارهای سازندگی نوعی رخوت و عقب‌نشینی از مواضع اصلی و آرمانهای انقلاب اسلامی را ایجاد نمود. این عوامل و سایر عوامل دیگری که به آن اشاره خواهد شد باعث شد اهداف و آرمانهای اساسی انقلاب اسلامی جامه عمل نپوشد و آسیب‌ها چون غباری بر چهره انقلاب نشست به‌گونه‌ای که نسل جدید، خود را بیگانه احساس می‌کند و نسل قدیم با خوف و رجا مسائل را پیگیری می‌کند.

با عنایت به این چگونگی، در این بخش از نوشتار سعی خواهد شد ابتدا عوامل مؤثر بر فرهنگ انقلاب اسلامی معرفی و مهمترین آسیب‌هایی که از ناحیه هر یک از عوامل بر انقلاب اسلامی وارد شده است مورد اشاره قرار گیرد.^{۲۹}

عوامل تأثیر گذار بر فرهنگ انقلاب اسلامی

با بررسی همه جانبه‌ای که به عمل آمده است با توجه به مسئولیتها و میزان بهره‌مندی هریک از عوامل مؤثر، از امکانات و ظرفیت‌های انقلاب اسلامی عوامل ذیل به ترتیب اولویت در تقویت، بالندگی، رشد و متقابلاً در آسیب‌رسانی به انقلاب اسلامی نقش اساسی دارند.

الف) مجموعه حاکمیت و قوای سه‌گانه.

ب) وزارت‌خانه‌های فرهنگی.

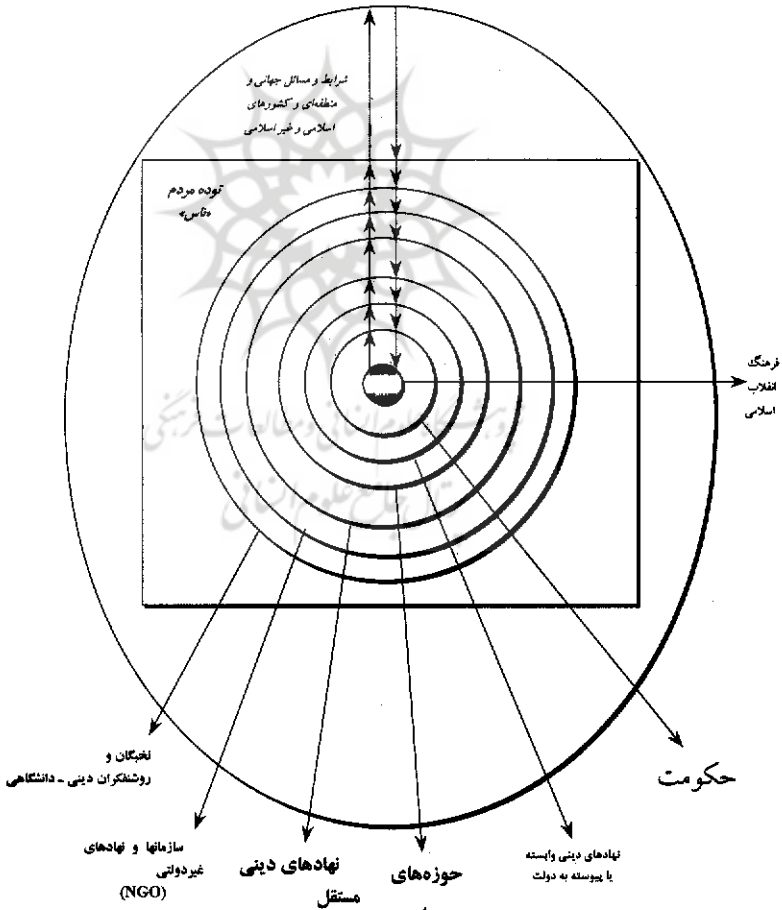
ج) نهادها و سازمانهای دینی وابسته به دولت.

د) حوزه‌های علمیه.

- ه) صدا و سیما و سایر رسانه‌ها.
- و) نهادهای دینی مستقل چون مسجد.
- ز) نخبگان و روشنفکران دانشگاهی.
- ح) مردم
- ط) شرایط و مسائل جهانی.

این فرآیند در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

مهمترین عوامل اثر گذار بر فرمت انقلاب اسلامی در جامعه ایران



شکل شماره ۱

عوامل فوق به همان اندازه که در صورت آرایه عملکرد مثبت، نقش اساسی در پیشرفت و بالندگی انقلاب اسلامی در جهان دارند به همان اندازه در صورت اهمال، غفلت، سوء مدیریت و یا به هر دلیل دیگر وظائف خود را در قبال انقلاب اسلامی انجام ندادند یا عملکرد آنها مطابق اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی نبود، سلسله آسیب‌ها شکل می‌گیرد و باعث خواهد شد که انقلاب آسیب ببیند. این آسیب‌ها و تهدیدها که بالغ بر ۱۵۰ مورد آن شناسائی شده است، در پژوهشی که بدان اشاره شد مورد بررسی دقیق قرار گرفته و نتایج آن برای تعیین اولویت‌ها و موارد مهم‌تر به رأی کارشناسان و صاحب‌نظران گذاشته شده و مهمترین آسیب‌ها در هر یک از عرصه‌های هشتگانه شناسائی شده است که در بخش ششم همین مقاله اهم آن موارد آورده می‌شود.

بخش ششم

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی انقلابی است فرهنگی که برای اعتلاء کلمه در جهان و ایجاد حکومت مبتنی بر عدل و مبتنی بر موازین و معیارهای اسلامی پدید آمده است و چون نام اسلام پسوند جمهوری اسلامی قرار گرفته است عرصه فرهنگ و آسیب‌های فرهنگی را گسترده ساخته است لذا کلیه عملکردهای سیاسی، اقتصادی، تربیتی، تبلیغی، فرهنگی، امنیتی، قضائی و ... تأثیر مستقیم بر فرهنگ انقلاب اسلامی دارد چون با توجه به تعریفی که از فرهنگ آرایه شد قلب فرهنگ جهان‌بینی است و جهان‌بینی ارزشها و باورها را تولید می‌کند و رفتارهای بیرونی که شامل تمامی عرصه‌های زندگی می‌شود، تجلیات و نمادهای بیرونی آن جهان‌بینی می‌باشند. در این شرایط اگر رفتارها و تجلیات بیرونی بر اساس باورها و ارزشهای برگرفته شده از جهان‌بینی عمل کرد باعث می‌شود که جهان‌بینی توسعه یابد و بر جهان‌بینی نسل جدید سایه افکند و باورها و ارزشهای انقلابی تولید کند ولی اگر چنین نشد و آسیب‌ها و آفت‌های داخلی و خارجی و به قول شهید مطهری میکروب ارتجاع بر پیکر جهان‌بینی و اضلاع آن وارد شوند به صورت طبیعی جهان‌بینی اصیل و انقلابی در عملکردها تجلی پیدا نمی‌کند و در نتیجه اندام فرهنگ انقلاب فرسوده می‌شود و تحمل خود را در برابر هجوم داخلی و خارجی از دست می‌دهد.

تئوریسین‌های انقلاب با توجه به تجربیات جهانی و بشری به این موضوع مهم پی برده‌اند و در نوشته‌ها، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها موارد و مصادیق آسیب‌ها را برشمرده‌اند و خواستار توجه به آنها و کنترل آنها گردیده‌اند در این بین صاحبانظران دیگری اظهار نظر فراوانی کرده‌اند که مجموعه آن دیدگاهها در پژوهش تحت عنوان «آسیب‌شناسی توسعه فرهنگ دینی با تأکید بر دو دهه انقلاب»^{۳۰} به رأی و نظر صاحبانظران و اندیشمندان گذاشته شده است که بخشی از نتایج یافته‌های این پژوهش و دیگر پژوهشهای انجام یافته^{۳۱} تحت عنوان «مهمترین آسیب‌های فرهنگی انقلاب اسلامی» ارایه می‌گردد.

۱. نفوذ اندیشه‌های بیگانه که این نفوذ ممکن است از طریق دشمنان یا دوستانی که مجذوب آرای دیگران شده‌اند، صورت پذیرد. نمونه این گرایش‌ها در جریانات قرون اولیه اسلامی دیده می‌شود. مثلاً مجذوب‌شدگان به فلسفه یونانی و آداب و رسوم ایرانی و تصوف هندی، نظریات و اندیشه‌هایی را به عنوان خدمت و نه به قصد خیانت وارد اندیشه‌های اسلامی کردند.^{۳۲}

۲. تغییر جهت دادن اندیشه‌ها؛ نهضت خدایی باید برای خدا آغاز شود و برای او ادامه یابد و هیچ خاطره و اندیشه‌ای غیر خدایی در آن راه نیابد تا عنایت و نصرت الهی شامل حالش گردد.^{۳۳} حضرت امام (ره) در وصیت نامه خود، فراموش کردن فرهنگ قیام ملت و مکتب الهی اسلام، به انزوا کشاندن روحانیت، غرب‌زدگی و شرق‌زدگی و سلطه بیگانگان بر مقدرات مراکز تعلیم و تربیت را از آفات فرهنگی انقلاب معرفی می‌نماید.

۳. تجددگرایی افراطی؛ در مقابل تمسک به اسلام ناب، تجددگرایی افراطی - یا التقاط - و زهدگرایی منفی قرار دارد. تجددگرایی افراطی تلفیق اسلام با اندیشه‌های غیر اسلامی برای زیبا جلوه‌دادن آن می‌باشد.^{۳۴}

۴. جدایی حوزه و دانشگاه؛ در واقع یکی از کلیدی‌ترین مسایل اجتماعی و فرهنگی در جامعه اسلامی ما حفظ و تقویت وحدت این دو نهاد که جدایی آن‌ها آفتی بزرگ به شمار می‌آید.

۵. بوروکراسی مفرط و فساد اداری و اجتماعی؛ حضرت علی (ع) می‌فرماید: همانا

فلسفه نابودی رژیم‌های پیشین این بود که حق مردم را ندادند تا آن را به رشوت خریدند، و راه باطلشان بردند و آنان پیرو آن گشتند.^{۲۵}

۶. دنیا طلبی و اشتغال به زینت‌های دنیوی بالأخص بین اقشار انقلابی؛ اگر زندگی تجملی و روحیه تکاثرطلبی در میان عناصر انقلابی فزونی گیرد و نیروهای انقلابی روحیه خود را از دست دهند، داعیه دفاع از انقلاب و ارزشها تضعیف می‌شود. امام صادق (ع) ضرر دو گرگ درنده که به گله چوپانی حمله می‌کنند را به مراتب کمتر از زیان حب مال و جاه‌طلبی که متوجه مسلمانان می‌شود، می‌داند.^{۲۶}

ابن خلدون نیز در بحث فراز و فرود تمدن‌ها به دوران‌های زیر اشاره می‌کند: دوران زلف، دوران قدرت، دوره تجمل و فراغت، دوره خرسندی و بالاخره دوره اسراف و تبذیر و انحطاط. در دوران آخر، عصبیت - همبستگی اجتماعی - از بین می‌رود و تن‌آسایی، تجمل و حاکمیت روابط فزونی می‌گیرد.^{۲۷}

۷. حاکم شدن روحیه ریا و تملق به جای اخلاص و ایثار دگرگونی مجدد ارزشهای جامعه و فرآیند تبدیل ثروت به ارزش و نابرابری اجتماعی؛

۸. اشاعه فحشا و فساد و ارتشا؛

۹. تأثیر پذیری از جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی دشمن و رجعت تدریجی به ارزشهای فرهنگی رژیم پیشین؛

۱۰. بحران هویت اجتماعی بالأخص بین نوجوانان و جوانان نسل دوم و سوم انقلاب و گرایش به الگوهای غربی؛

۱۱. فرار مغزها؛ نداشتن برنامه‌ای همه جانبه برای جلوگیری از مهاجرت تحصیل کردگان و متخصصان و مشخص نبودن مرزهای «تعهد» و «تخصص» باعث ظهور پدیده فرار مغزها به کشورهای دیگر جهان می‌شود.

۱۲. دوگانگی عمل و گفتار؛ برخی از مسئولین (فاصله بین گفتار و کردار آنها و سخنگویی به جای عمل و سیاسی کاری به جای خلاقیت‌های مدیریتی)

۱۳. بازیچه شدن دین در دست برخی از سیاستمداران برای منافع شخصی یا گروهی (جناحی)

۱۴. درگیری و اختلافات سیاسی (سرگرم شدن به درگیری‌های سیاسی و غفلت از مشکلات مردم)

۱۵. عدم تحمل سیاسی و نداشتن روحیه انتقادی

۱۶. باندبازی و گزینش‌های رابطه‌ای در انتخابات دولتمردان و شیوع تبارگماری در مسئولیت‌های مهم و حساس

۱۷. عدم ارائه راهکار مناسب برای تلفیق دین و دولت (عدم تعامل مناسب دین و دولت)

۱۸. ضعف مدیریت و تصدی امور به دست افراد نالایق کم توان و به دور از آگاهی و بینش قوی (ولو دلسوز و با حسن نیت)

۱۹. عدم وجود عدالت اجتماعی در توزیع قدرت، ثروت و دنیاگرایی و عافیت طلبی مردم

۲۰. وجود فساد اداری در بدنه نظام به عنوان یکی از مهمترین عوامل سرخوردگی مردم از دین و فرهنگ انقلاب اسلامی

۲۱. فقر و محرومیت توده مردم (فشار اقتصادی بر مردم) و تشدید اختلافات طبقاتی

۲۲. نارضایتی مردم به علت شیوع حاکمیت روابط به جای ضوابط

۲۳. افزایش روحیه ریاکاری و تظاهر به دین

۲۴. احساس خستگی افراد جامعه به ویژه از سخنرانی‌ها و مطالب تکراری و زدگی آنها از مطالب بیان شده

۲۵. ضعف و به حاشیه رفتن مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی، نظارت، اجرا و پشتیبانی و اداره مادی و معنوی نهادها و فعالیت‌های دینی

۲۶. غرق شدن در درگیری‌های داخلی و غفلت از مسائل جهانی

۲۷. شیوع رویکردهای افراطی و تفریطی در ارتباط با سایر کشورها

۲۸. سیاه نمایی و القاء دشمن به مردم توسط تبلیغات گسترده مبنی بر ناتوانی حکومت دینی در رفع مسائل و مشکلات جامعه

۲۹. بی‌توجهی به آموزه‌های دین اسلام در تولید ارزش‌های مشترک جهانی

۳۰. تهاجم برنامه‌ریزی شده دشمنان خارجی جهت انحراف نسل جوان

۳۱. فقدان نظام مشورت‌گیری از نخبگان و روشنفکران دینی و به حاشیه رفتن نقش

آنها در فرایند تولید و عرضه کالاها و خدمات فرهنگی

۳۲. عدم مشارکت فعال نخبگان و کناره‌گیری آنها از قدرت به علت وضعیت آشفته و

۳۳. به حاشیه رفتن نقش نخبگان فرهنگی و روشنفکران دینی در سرپرستی هویت دینی و ملی
۳۴. عدم وفاق ذهنی نخبگان کشور در راستای حل مسائل فرهنگی و معنوی
۳۵. تقابل روشنفکران و نخبگان فرهنگی با سنت گرایان
۳۶. تداخل وظایف و فعالیت‌های موازی نهادهای دینی به علت نبود برنامه‌ریزی جامع در مورد تقسیم وظایف
۳۷. گسترش ظاهرنگری، سطحی‌نگری، جزم‌اندیشی و عوام‌زدگی در فعالیت‌های نهادهای دینی
۳۸. فقدان نظام برنامه‌ریزی صحیح فرهنگی برای نسل جوان به علت نبود مدیریت واحد فرهنگی
۳۹. فقدان نظام مشورت‌گیری و نظرسنجی از نخبگان (به حاشیه رفتن نقش نخبگان در فرایند تولید، پردازش و عرضه کالاها و خدمات فرهنگی دینی در مقیاس ملی
۴۰. عدم برنامه‌ریزی صحیح و اصولی فرهنگی و دینی برای نسل جوان توسط حوزه‌های علمیه و روحانیت
۴۱. ارائه تصویری عوامانه از دین، ناهمگون با مقتضیات زمان و متضاد با مبانی فکری نسل جوان توسط بسیاری از روحانیون و علمای دینی
۴۲. عدم تناسب سیاست‌ها و ساختار حوزه‌های علمیه با شرایط و نیازهای روز
۴۳. عدم جذابیت کافی از چهره اسلام ارائه شده توسط روحانیت
۴۴. عدم پاسخ کافی، جامع و مستدل نسبت به شبهات جدید و انحراف در گفتار و کردار (بی‌عملی برخی از عالمان دینی)
۴۵. حاکم شدن مواضع سیاسی و منافع جناحی (حزبی) در رسانه‌ها به جای قضاوت‌های اخلاقی و منطقی و مواضع ملی
۴۶. عدم ارزشیابی مستمر و علمی از نتایج و عملکرد سازمان صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها
۴۷. نگاه یک طرفه و گاه ابزاری به مخاطبان و نیازهای آنان

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به تحقیق مستقلی که تحت عنوان مبانی و نظریه فرهنگ توسط مؤسسه فرهنگی هنری عرش پژوه انجام شده است.

2. Clyde Kluckhohns mansmirror.

۳. مارکس، کارل، فقر فلسفه، ۱۸۴۷.

۴. جبرگرایی فن‌آوری، مؤسسه فرهنگی - هنری عرش پژوه.

۵. لارج، فرهنگ و فن‌آوری اطلاعات، ۱۹۸۰.

۶. حاجیلری، عبدالرضا، کنکاش در تعبیر ارزشهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشر معارف، ص ۶۷ و ۶۸.

7. Revolution.

8. Revolutio

۹. باقر ساروخانی، دایرة المعارف علوم اجتماعی، ص ۶۴۲.

۱۰. گی‌روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، ص ۲۸۹.

۱۱. استانفورد کوهن، تئوری‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، ص ۲۱.

۱۲. همان، ص ۱۲۶.

۱۳. ساموئل هانتینگتون، سازمان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۳۸۵.

۱۴. استانفورد کوهن، تئوریهای انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، ص ۱۹۵.

۱۵. کرین برینتون، کالبد شکافی انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۳۱۰.

16. Pathology

۱۷. عباس و منوچهر آریان پور، فرهنگ (دوجلدی) دانشگاهی، انگلیسی، فارسی، جلد ۲، ص ۱۵۶۹.

۱۸. ماری، بریجانیان، «فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی» ویرایش بهاءالدین خرمشاهی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.

۱۹. فرمهبینی، فراهانی، محسن، «فرهنگ علوم تربیتی» نشر اسرار دانش، ۱۳۷۹.

20. Cultural Pathology

۲۱. رهنمایی، سید احمد «آسیب شناسی فرهنگی» مجله معرفت، شماره ۳۰، ص ۳۱.

۲۲. کرین، برینتون، کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، صص ۸-۲۶۷.

۲۳. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، صص ۲۸-۲۷.

۲۴. روزنامه کیهان، ۱۷ دی ۱۳۷۳.

۲۵. حاجیلری، عبدالرضا، صص ۱۶۸ تا ۱۷۲.

۲۶. این مجموعه از پیام‌ها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌های حضرت امام (ره) در صفحات ۱۵۱ تا ۱۷۷، کتاب تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی «دفتر سی و ششم»، دفتر نشر و تنظیم آثار حضرت امام موجود است که طبقه‌بندی و در این مقاله استفاده شده است.

۲۷. اصل چهارم قانون اساسی و بیش از ۲۰ اصل دیگر.

۲۸. موارد فوق برگرفته از مقدمه و اصول ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، است.

۲۹. طرح آسیب‌شناسی توسعه فرهنگی دینی با تأکید بر دو دهه انقلاب اسلامی توسط دفتر مطالعات توسعه فرهنگ دینی «مؤسسه فرهنگی - هنری عرش پژوه» با همکاری جناب آقای دکتر فراهانی به اجرا

درآمده است و مهمترین عوامل با مطالعه میدانی مشخص گردیده است.

۳۰. پژوهش آسیب‌شناسی توسعه فرهنگ دینی با تأکید بر دو دهه انقلاب، مؤسسه فرهنگی - هنری

عرش پژوه، دفتر مطالعات توسعه فرهنگ دینی با همکاری جناب آقای دکتر فراهانی، سال ۱۳۸۲.

۳۱. برخی از موارد کتاب انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، مؤلفان، نشر معارف، ص ۷۰ و

۷۱ استفاده شده است.

۳۲. رک: مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، صص ۸۷-۷۸.

۳۳. همان، صص ۹۹-۹۸.

۳۴. همان، صص ۹۳-۹۰.

۳۵. اما بعد فانما هلك انهم ممنوعوا الناس الحق فاشتروه و اخذوهم بالباطل فاقتدوه. (نهج البلاغه، نامه ۷۹)

۳۶. اصول کافی، ج ۲، کتاب الايمان و الكفر، باب حب الدنيا و الحرص عليها، ح ۲.

۳۷. رک: مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، صص ۲۲۰-۲۱۷، البته نباید فراموش کرد که

این حرکت دورانی از دیدگاه ابن خلدون، شکل جبری دارد و ۱۲۰ سال به طول می‌انجامد. ذکر نظر ابن

خلدون به منظور روشن شدن تأکید نویسندگان بر نقش سوء تجمل و دنیاطلبی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی